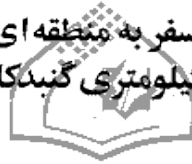


# دردیاری خالدنبی

مسعود جوادیان

گزارش سفر به منطقه ای باستانی  
و ناشناخته در ۶۰ کیلومتری گنبد کاووس (سوم آبان ۸۵)



چند روزی به پایان ماه مبارک رمضان مانده بود. برای گاری به اتاقی  
دکتر چوبینه که بلد راه بود، اول ما را به دیدن یک «گل فشان» برد که  
چون مربوط به اهل جغرافیاست از شرح آن می گذرم. تلفنی از آقای  
ذردی کریمی، سرگروه تاریخ گنبد تقاضا کرده بودم به خانه ی معلم  
سفارشی کند، اتاقی برایمان در نظر بگیرند، اما وقتی به خانه ی معلم  
رسیدیم، مسئول آن جا اظهار داشت، سفارش دو نفر به او شده است  
نه چهار نفر. بحث و اصرار ما هم به جایی نرسید. ناچار به آقای کریمی  
زنگ زدم و او نیز به معاون اداره. آقای مسئول خانه ی معلم، نرم شد و  
مهمان نواز.

قرار گذاشتیم که فردای روز عید فطر بدان سو حرکت کنیم. ابتدا  
داوطلبان زیاد بودند، اما در پایان چهار نفر ماندند: من، دکتر چوبینه،  
حسین الوندی کارشناس گروه زیست شناسی و سید احمد حسینی  
کارشناس گروه زمین شناسی.

صبح روز بعد به راه ادامه دادیم.

